روزنامه شرق

سیاست

درک صحیح هواداران دولت از وضع موجود یک فرصت است — صفحه ۸

توازن آرمان و واقعیت، حرکت اصلاح‌طلبی را هموار می‌کند — صفحه ۹

روزنامه — صفحه ۱۰

عکس: مهدی‌حسنی، شرق

اصلاح‌طلبان این‌روزها، سنجیده‌تر حرکت می‌کنند

واقع‌بینی برای رسیدن به هدف

آزاده محمدحسین

آنان که دستی بر آتش سیاست دارند یا دست‌کم رخدادهای این کهکشان پهناور را دنبال می‌کنند، این روزها بر یک نکته تاکید دارند و آن رفتار دقیق و مواضع حساب‌شده چهره‌های شاخص سیاسی اصلاح‌طلب در جاده سیاست است؛ به این مفهوم که مدت‌زمانی است اصلاح‌طلبان تلاش دارند تا با نگاهی به گذشته و البته وضع موجود گام بردارند و از همین‌رو، رفتار عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه‌شان نمود بیشتری یافته است. چرا؟ آیا اصلاح‌طلبان محافظه‌کار شده‌اند؟ یا اصولگرایان، اصلاح‌طلب‌تر شده‌اند؟ و شاید هم اعتدالیون که آمدند، هردو معتدل شده‌اند؟ شاید بتوان پاسخ این پرسش‌ها را از لابه‌لای این چند جمله پیدا کرد: «اکثریت مردم ایران رای به اعتدال، عقلانیت، خردورزی، خردجمعی، مشورت، حرکت در مسیر کارشناسی و دوری از افراط و خودسری دادند. این رای کاملا روشن است و هیچ ابهامی ندارد. همه باید تسلیم این رای باشیم. دولت آینده هم باید تسلیم این رای باشد و در چارچوب اعتدال حرکت کند، دولت آینده هم باید از افراط و تفریط پرهیز کند و این پیام برای همه است...» همان جملاتی که حسن روحانی در سخنانش پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم بر زبان آورد. به‌نظر می‌رسد این پیام بیش از اصولگرایان در قاطبه اصلاح‌طلبان نفوذ کرد و دهان‌به‌دهان گشت و البته در عمل نیز عینیت یافت. نگاهی به اظهارات چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب که گاه حتی در سال‌های گذشته برخی، آنان را متهم به تندروی می‌کردند، نشانگر این است که این نحله فکری ترجیح داده است در مسیر سیاسی پیش‌رو با استناد به واقعیات موجود سخن گفته و تصمیم بگیرد؛ راهی که از هشت‌سال پیش و از زمانی که کفه ترازوی سیاست به‌نفع اصولگرایی سنگینی می‌کرد، آغاز شد.

قدم‌به‌قدم تا عملگرایی

اصلاح‌طلبان پس از آن که مدتی از دنیای سیاست فاصله گرفتند و سنگرهای اجرایی و اداری کشور یکی بعد از دیگری در اختیار نیروهای «نو اصولگرا» قرار گرفت، به جای آن که گوشه عزلت بگزینند، آرام‌آرام به سمت نقد عملکرد خود در سال‌های حاکمیت اصلاح‌طلبی روی آورده، با استفاده از تجربیات آن دوران رویکرد جدیدی در مواجهه با رخدادهای سیاسی اجتماعی اتخاذ کردند. در مواردی اشکالات رفتار حزبی خود را پذیرفته و با وانهادن آن، سعی در جبران آن برآمدند که به اذعان بزرگان آشنا به بازی در صفحه سیاست، در بسیاری موارد موفق بودند. تا آن زمان برخی به اصلاح‌طلبان خرده می‌گرفتند که با فاصله‌گرفتن از عرصه عمل، صرفا پا در مسیر آرمانگرایی گذاشته و به این ترتیب این تفکر سیاسی را از اهداف بلندمدت و واقعی خود دور کرده‌اند؛ گروهی که اتفاقا از درون خود اصلاحات و مورد وثوق بدنه اجتماعی این جریان فکری هم بودند. به هرحال اصلاح‌طلبی روبه‌نقد آورد و از زمانی که در مسیر جاده نقد قرار گرفت، آرام‌آرام و با طمأنینه به سمتی رفت که بتواند «اصلاح» را نهادینه کند و نه ریشه‌کن. در بسیاری اظهارنظرها و نقدها چهره‌های شاخص این جریان با وجود انتقاد از فضای موجود، نکات مثبت را هم یادآور شدند و تلاش کردند در مجامع عمومی و رسانه‌ای نیز از نقد یک‌سویه بپرهیزند. از سوی دیگر بزرگان این قوم با تشکیل اتاق فکر و بهره‌گیری از اندیشه‌های گوناگون پا در راه بهبود عملکرد جریان فکری که به آن تعلق داشتند، گذاشتند و... این روند همچنان ادامه یافت تا رخدادهای انتخابات ریاست‌جمهوری دهم و سال ۸۸؛ از آن پس بود که این جریان فکری در مسیری که پی گرفته بود باراده‌تر گام برداشت و باوجود اینکه برخی مهره‌های اثرگذار خود را در عرصه اجتماعی نداشت، راه خود را ادامه داد. اصلاح‌طلبان در این سال‌ها هیچ‌گاه با صندوق‌های رای قهر نکردند و تلاش‌شان بر این بود که از کوچک‌ترین امکان موجود به‌نفع تثبیت تفکر اصلاح‌طلبانه بهره ببرند. تا جایی که سیدمحمد خاتمی رییس‌جمهور دوران اصلاحات برای انتخابات مجلس نهم پای صندوقی در منطقه «دماوند» حاضر شد و رای داد؛ اقدامی که البته آن زمان با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد و حتی طعم واکنش‌های تند را هم چشید. اما همان زمان برخی صاحبنظران و تحلیلگران این اقدام او را دلیل روشن و بارزی دانستند برای تصمیم جریان اصلاح‌طلبی به ماندن در صحنه عمل. بعدها عنوان شد که این رای آگاهانه، اجازه تعبیر خواب برخی در مواجهه با وی و سایر اصلاح‌طلبان را از طرف مقابل سلب کرد. به هر رو معتقدان به این تفکر سیاسی چهارسال گذشته را نیز با همه محدودیت‌ها و با استفاده از ابزار «ایستادگی مدنی» پشت‌سر گذاشتند تا فضا آماده شد برای انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری.

اعتدال- اصلاحات؛ ائتلاف، ائتلاف

در روزهایی که تب انتخابات ریاست‌جمهوری بر پیشانی شهرها و روستاهای ایران عرق کرده بود، شعاری مراسم به مراسم چرخید و شد پای ثابت شعارهای برنامه‌های انتخاباتی؛ «اعتدال- اصلاحات، ائتلاف ائتلاف». پیام این شعار برای آنان که دنیای سیاست و پیوندش با بدنه اجتماعی را خوب می‌شناسند، کاملا واضح و آشکار بود، یکی از راه‌های رسیدن به اصلاح امور گذر از مسیر اعتدال است. این موضوعی بود که به وفور در سخنرانی‌ها و اظهارات کوتاه و بلند اعتدالیون و البته اصلاح‌طلبان شنیده و خوانده می‌شد. اما شنیدن چنین

اصلاح‌طلبان هرچند در زوایایی با دولت حسن روحانی اختلاف‌هایی دارند، همپوشانی‌های این دو گروه به اندازه‌ای است که اختلاف‌ها روزنه چندانی برای بروز نمی‌یابند. همه اینها درحالی است که طرفداران فکری اصلاحات این روزها در بیشتر سخنانشان از عملگرایی دفاع کرده و با ذکر کاستی‌های موجود مسیر انتخابی دولت یازدهم را صحیح می‌دانند

سخنانی از زبان آن دسته از اصلاح‌طلبان که روزگاری به داشتن مواضع تندتر از سایرین شهره بودند، بر این نکته بیشتر تاکید می‌کرد که دوربودن اصلاح‌طلبان از عرصه سیاست در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، نه‌تنها آنان را به مسیر انتقامجویی و تندروی سوق نداده که حتی برخلاف ادعای برخی اصولگرایان تندرو که ید طولایی در رفتارهای رادیکال و مواضع غیرواقعی داشتند، مسیری را انتخاب کرده‌اند که با گذر از آن راه رسیدن به اصلاح هموارتر خواهد شد. واکنش این روزهای بزرگان این گروه سیاسی به اقدامات دولت تدبیر و امید به وضوح موید این تغییر رویکرد است. هرچند با گذشت مدت‌زمانی کوتاه از روی کارآمدن دولت تدبیر تندروهای اصولگرا تلاش وافری داشته‌اند تا چنین القا کنند که اصلاحات و اعتدال فاصله ماهوی معناداری دارند، اظهارات چهره‌های شناخته‌شده اصلاحات خلاف این ادعا را ثابت کرده است همچنان که حمیدرضا جلایی‌پور اخیرا در نشست اصلاح‌طلبان اصفهان تاکید کرد اعتدالگرایی و اصلاح‌طلبی همپوشانی زیادی با هم دارند: «می‌توان گفت اعتدالگرایی همان اصلاح‌طلبی است که به‌دلیل شرایط جامعه از آن به اعتدال یاد می‌شود... راهبرد محوری اصلاح‌طلبان برای رسیدن به توسعه سیاسی، حاکمیت قانون است که در همین راستا جبهه اصلاحات در تمام انتخابات حضور خود را اعلام کرده است چون اعتقاد به اصل حاکمیت قانون که همان صندوق‌های رای است، دارد. این در حالی است که مخالفان افراطی اصلاح‌طلبان از سال ۱۳۷۶ به بعد حاکمیت قانون را نقض می‌کردند. افراطی‌ها راهبرد اصلاح‌طلبان را در دوران اصلاحات فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا خواندند که این اشتباه است. اصلاح‌طلبان هیچ‌گاه به دنبال فشار از پایین نبودند، زیرا ریشه خود را در انقلاب اسلامی می‌دانستند.» از سوی دیگر سعید حجاریان در گفت‌وگوی اخیر خود با خبرگزاری ایسنا براین نکته تاکید کرد: «در حال حاضر اصلاح‌طلبان در کابینه دولت یازدهم حضور دارند و پایگاه اجتماعی دولت هم اصلاح‌طلبان هستند؛ بنابراین لازم نیست بین اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان تفکیکی قایل شویم.» این اظهارات به اعتقاد بسیاری نشان‌دهنده این است که اصلاح‌طلبان هرچند در زوایایی با دولت حسن روحانی اختلاف‌هایی دارند، همپوشانی‌های این دو گروه به اندازه‌ای است که اختلاف‌ها روزنه چندانی برای بروز نمی‌یابند. همه اینها در حالی است که طرفداران فکری اصلاحات این روزها در بیشتر سخنانشان از عملگرایی دفاع کرده و با ذکر کاستی‌های موجود مسیر انتخابی دولت یازدهم را صحیح می‌دانند و این همان فاصله‌گرفتن از آرمانگرایی و روی‌آوردن به عملگرایی است.» نظیر همین ادبیات در سخنان جواد اطاعت در جمع دانشجویان اصلاح‌طلب شنیده شد؛ در جایی که به آنان توصیه کرد: «فعالیت‌هایشان را به‌گونه‌ای پیگیری کنند که حساسیت‌زا نباشد و برای پیگیری فعالیت‌های خود گام‌به‌گام پیش بروند.»

قفل‌ها، یکی‌یکی به نوبت

زمانی که دولت یازدهم مستقر شد، برخی تندروها اصلاح‌طلبان را متهم کردند به بی‌صبری و در گفته‌هایشان بر این موضوع تاکید کردند که اصلاح‌طلبان قصد دارند دولت اعتدال را برای مطالبه خواسته‌هایشان تحت فشار بگذارند و به همین جهت به‌زودی میان دولت و اصلاح‌طلبان شکاف بزرگی ایجاد خواهد شد. اما صدروزگی دولت روحانی سنگ محک خوبی برای بررسی نوع نگاه اصلاح‌طلبان به منش دولت یازدهم بود. تقریبا در تمام اظهارنظرها و سخنرانی‌ها، چهره‌های شاخص اصلاحات بر این تاکید کردند که قطار دولت جدید در مسیر درستی قرار گرفته و نمی‌توان انتظار داشت حجم بزرگی از مشکلات یک‌شبه حل شود. در واقع اصلاح‌طلبان به‌طورعام بر این باورند که قفل‌ها نه یک‌شبه، که یکی‌یکی و به نوبت باز خواهند شد؛ همچنان که سعید حجاریان در گفت‌وگویی تاکید کرد: «در حال حاضر بدیلی برای دولت روحانی وجود ندارد. باید شخصیت‌هایی که در بین مردم اعتبار دارند، مثل هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی، ناطق‌نوری و همچنین روزنامه‌نگاران و روشنفکران برای مردم توضیح دهند که مشکلات کشور در مدت کوتاهی حل نمی‌شود.» حل مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این روزها خواسته قاطبه جریان‌های سیاسی منتسب به اصلاحات است اما با شکلی متفاوت از هشت‌سال گذشته.

در این میان اصلاح‌طلبان یک خواسته را نیز در کنار خواسته‌های عمومی‌ترشان گه‌گاه به رییس دولت تدبیر و امید یادآوری می‌کنند؛ بازشدن قفل احزاب و سیاست‌ورزی در داخل که ذیل مقوله «سیاست داخلی» به آن پرداخته می‌شود. آنان عملگرایانه از دولت روحانی می‌خواهند از این مهم، غفلت نورزد که سبب خواهد شد مسیر در پیش گرفته‌شده، نیمه‌تمام بماند آنگونه که احمد شیرزاد می‌گوید: «امیدواریم کلید آقای روحانی قفل احزاب را باز کند و شاهد این باشیم که جامعه سیاسی بتواند بدون هیچ‌واهمه‌ای به فعالیت خویش ادامه دهد.»

میانه‌روی را به رخ نکشیم!

شهاب‌الدین طباطبایی
فعال سیاسی

عملگرایی، اعتدال، واقع‌گرایی به‌جای آرمانگرایی و... اینها واژه‌هایی هستند که دوباره خریدار پیدا کرده و البته فروشندگانش هم زیاد شده‌اند. معتقدم بازی روزگار و گذشت زمان و انباشت تجربه‌ها و اتفاقات تلخ و شیرین سال‌های گذشته، برای همه نیروهای فعال در سپهر سیاست کشور آموزه‌ها و درس‌های فراوانی داشته، آنها که شاگرد زرنگ این کلاس بوده‌اند گویا تصمیم گرفته‌اند اشتباهات گذشته‌شان را کنار بگذارند و با دست فرمان اصلاح شده‌تری برانند. امروز اگر می‌توان نگاه اعتدالی و واقع‌گرایانه را در دو جناح اصلی و اصیل کشور دید، معنایش البته تنها این نیست که همه تجربه اندوخته و درس‌گرفته به این سمت می‌روند، قاعده حفظ موجودیت و بقا، نیروهای فعال سیاسی را به راه اصلی کشانده، اعتدال‌گرایی در مقابل افراط ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود که باید به آن می‌رسیدیم. شاید همین قاعده باشد که نظریه‌پردازی چون سعید حجاریان، وقتی به مدل مجلس مطلوب برای دوره دهم اشاره می‌کند، مدلی همچون مجلس پنجم را ذکر می‌کند که جناح چپ به همراه «کارگزاران» تازه متولدشده، اقلیتی نیرومند را در آن سامان داده‌بودند و اکثریت نیز، چهره‌های میانه‌رو و باسابقه جناح راست بودند، نکته‌ای که در هیاهوی رسانه‌ای بر سر گفت‌وگوی حجاریان با ایسنا، گم شد. بگذریم، حالا که فرصتی پیش آمده دو نکته را یادآوری می‌کنم و مزاحم‌نمی‌شوم.

اول، باور کنیم نیازی نیست اعتدال و میانه‌روی را به رخ دیگران بکشیم و بگوییم اگر ما چنین نمی‌کردیم و چنان تصمیم نمی‌گرفتیم و... چنین و چنان نمی‌شد و اعتدال بر افراط پیروز نمی‌شد. بپذیریم که نیاز زمانه اعتدال است و خود را بر هر گروه و جناح و قدرتی که چنین نیندیشد تحمیل می‌کند، مثل جوانگرایی که بارها گفته‌ام دیر یا زود خودش را بر واقعیات اداره کشور تحمیل می‌کند، چه نسل قبلی بخواهند و چه نخواهند. دوم؛ ضمن آنکه جوان‌ترها و نسل دومی‌های اصلاح‌طلب را جدا از مجموعه اصلاح‌طلبان و به‌ویژه نسل اول آنها نمی‌دانم، معتقدم نمی‌توان و نباید نقش جوانان اصلاح‌طلب در شکل‌گیری و توسعه نگاه اعتدالی و واقع‌گرایانه به سیاست در ایران را نادیده گرفت. نسل دومی که در کنار معدود سیاستمداران جا افتاده اصلاح‌طلب، ضرورت حضور در انتخابات را قبل از بقیه تشخیص دادند، به اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و اعتدالی سیدمحمد خاتمی اعتقاد داشتند و همچون او گفت‌وگو و تعامل سازنده را حتی در سخت‌ترین شرایط، بهترین راه برون رفت از وضع موجود آن روزها می‌دیدند.

این بار به‌نظر می‌آید برخلاف مثلی که می‌گوید تجربه مثل شانه‌ای است که وقتی کچل شدیم به دستمان می‌رسد، شانه کمی زودتر دستمان رسیده.

یادداشت

نگاه نخبگان و اصلاح‌طلبان به دولت

رسول منتجب‌نیا
قائم‌مقام حزب اعتمادملی

موضوع مهمی که باید اکنون به آن پرداخت اینکه از منظر اصلاح‌طلبان، اقتضای اعتدالگرایی در برخورد با شرایط موجود چیست؟ آیا اعمال سیاست‌های اعتدالگرایانه و برخورد مساوی با جناح‌های موجود در کشور کافی است یا لازم است ابتدا شرایط را متعادل کرد و در پی آن سیاست‌ها و برنامه‌های اعتدالگرایانه را طراحی و اجرا کرد؟ در گفتارها و گفت‌وگوها در ماه‌های اخیر، به وضعیت کنونی کشور و انزوا و حاشیه‌نشینی نخبگان و چهره‌های لایق و کارآمد جناح اصلاح‌طلب و نیروهای خط امامی اشاره کرده‌ام. لازم به یادآوری است که ظرف مدت هشت‌سال گذشته، تقریبا تمامی نیروهای توانمند اصلاح‌طلب از مدار کنار زده شده و به اغلب آنها برچسب‌هایی زده شده تا تندروها بتوانند هم عملکرد خود را در افکارعمومی توجیه کنند و هم برای همیشه حیثیت آن چهره‌ها را مخدوش سازند. در این سال‌ها تمامی مسوولیت‌های اجرایی در سطوح بالا، میانه و حتی پایین در اختیار مهره‌های اصلی جناح حاکم بر قوه‌مجریه و در دوره‌های نهم و دهم بوده که در سال‌های پایانی مسوولیت حتی‌الامکان و در سطح بسیار گسترده نیروهای وابسته و مهره‌های خود را در دوره‌های مختلف جاسازی و منصوب کردند.

در چنین شرایطی، پیش از اجرای سیاست‌های اعتدالی و برنامه‌های اعتدالگرایانه، بر اعضا دولت تدبیر و امید لازم است میان نیروهای اجرایی و در واقع مجریان سیاست و برنامه‌های جدید، تعادل و اعتدال ایجاد کرد و به‌این منظور ضروری است کلیه نیروهای لایق و کارآمد که در حاشیه قرار گرفته یا در سمت‌های نامناسب، اشتغال دارند را شناسایی کرده و هر کدام را در محل مناسب با تخصص و کارآیی خود بگمارند.

در واقع باید افرادی که بدون داشتن تعهد و تخصص و صرفا با انگیزه جناحی و باندی در سمت‌های حساس و کلیدی منصوب شده‌اند، در بدنه دستگاه‌های اجرایی شناسایی شده و به سبب آسیب‌هایی که ایجاد کرده‌اند، با نیروهای کیفی، دانشگاهی و نخبه جابه‌جا شوند. البته با کمال عدالت و انصاف با آنان برخورد کنند و کوچک‌ترین ظلم و ستمی نسبت به آنها وارد نسازند بلکه صرفا جلو ادامه ناکارآمدی را بگیرند. در واقع پس از ایجاد تعادل و اعتدال میان نیروهای جناح‌های موجود کشور، امید تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و برنامه‌های اعتدالگرایانه تحقق خواهد یافت. در غیر این‌صورت یعنی بدون ایجاد تعادل و اعتدال در نیروهای انسانی شاغل در دولت، اولا: نه‌تنها نفس این عمل با شعار اعتدال و تعادل کاملا مغایرت دارد بلکه به نوعی ادامه برخورد افراطی یا تفریطی نسبت به نیروهای لایق است و ثانیا تصمیمات اتخاذشده در هیات دولت و نهاد ریاست‌جمهوری هرچند مترقی، سازنده، عادلانه و مطابق با حقیقت و واقعیت باشد، هنگامی که به‌دست نیروهای بی‌کفایت قرار گیرد تا به مرحله اجرا درآید، قطعا از روی عمد و لجاجت یا به دلیل سوءمدیریت خنثی و ناکارآمد خواهد شد.

ادامه در صفحه ۹

نگاه

واقع بینی؛ ضرورت اصلاح طلبی

نجفقلی حبیبی
استاد دانشگاه و فعال سیاسی

در اصطلاح اجتماعی، لزوم اصلاحات زمانی مطرح می‌شود که یک گروه، تشکل، حزب یا جریان سیاسی، قصد دارند نظم موجود جامعه اجتماعی خود را سامان دهند. به‌طور طبیعی برای دستیابی به تغییرات موردنظر، دو راه در پیش‌رو است. راه اول، انقلاب است و در موقعی مدنظر قرار می‌گیرد که مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی جامعه به‌گونه‌ای درآمده که تغییرات کلی مورد نیاز است. مسیر دیگر هم وجود دارد که گروه‌هایی که به دنبال اصلاح و تغییر هستند و روند موجود کشور را غیرقابل‌پذیرش می‌دانند، به آن روی می‌آورند. این گروه به جای پیگیری تغییرات کلی به‌دنبال راه‌های مسالمت‌آمیز می‌روند؛ راه‌هایی که تغییر و تحول را در چارچوب نظام برمی‌تابد و البته مسیری زمان‌بر است. در این مسیر تحمل این گروه‌ها بسیار حایزاهمیت است. بنابراین اصلاح‌طلبی تلاش برای ایجاد وضعیت بهتر در جامعه از راه گفت‌وگو، اصالت‌بخشی به صندوق رای و دفاع از انتخابات، استدلال، صبر و تحمل نیروهای مخالف است. در نتیجه اصلاح‌طلبان مسیری منطقی را در پیش می‌گیرند که تدریجی و نیازمند گذشت رهبران سیاسی آنهاست. این اختصاص به دوره فعلی ندارد اما با توجه به شرایط نگران‌کننده سالیان اخیر، شاید اصلاح‌طلبان با جدیت بیشتری در این مجال تنفس، به‌دنبال بسط و اجرای ایده‌های آن باشند.

این اصطلاح در جریان تاریخ و در طول آن -همچون تمام مفاهیم اجتماعی- در حال تغییر است. در ایران و در مفاهیم فعلی، اصلاح‌طلبی در برابر دو گروه قرار گرفته است؛ گروه اول گروهی که به‌دنبال تغییر نظام هستند که توضیح آن در فراز پیشین داده شد. اصلاح‌طلبان در برابر این شیوه، به‌دنبال تغییر و تحول درون نظام و اصلاح امور و درست اجراشدن آن بر اساس قوانین فعلی هستند. گروه دوم گروه به‌اصطلاح رایج اصولگرا یا همان جناح راست سابق است که تغییراتی پیدا کرده است که بر بنیادهایی وابسته‌اند. آنها اتفاقات صورت‌گرفته در کشور در ماه‌های اخیر را همچنان برنمی‌تابند و اصلاح‌طلبان با توجه به اهمیت موفقیت دولت برای رسیدن به توسعه، خود را موظف به دفاع از اصالت رای مردم و خواست آنها در برابر تندروها و تندروی‌ها می‌دانند.

اصلاح‌طلبان در طول هشت‌سال گذشته بارها یادآوری کردند که مدیران باید اهل تجربه و صاحب دانش باشند تا مسوولیت بپذیرند، آنها با وجود توان محدود خود، به دنبال حل این مشکل بودند. این موضوع را اگر از نگاه اسلامی مدنظر قرار دهیم، فرد نمی‌تواند بدون توجه به داشتن تجربه و توانایی مسوولیتی را بپذیرد. موضوع دیگری که این‌روزها بیش از پیش به دلیل تخلفات مالی نسبت داده شده به دولت گذشته، مورد توجه قرار گرفته است، مسوولیت‌پذیری در کنار وقف برای جامعه است. یعنی زمانی که به کاری مشغول هستند به‌دنبال ثروت‌اندوزی، پست و مقام و فامیل‌بازی و... نباشند یعنی موازین اسلامی باید بر روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم باشد. حال که دولتی با نقش‌آفرینی مردم بر سر کار آمده است که دولتمردان آن تا حد زیادی، حایز این ویژگی‌ها هستند، حمایت انتقادی از دولت- آن هم دولتی که وارث خرابی‌های گذشته است- امری عقلانی است. یکی از ویژگی‌های اصلاح‌طلبی آن است که چه آنجایی که در مسند قدرت قرار دارند و چه آنجایی که قرار ندارند، مخالف خود را تحمل کنند و انتقادات آنها را بشنوند. اگر نظرات آنها و انتقادات مستدل است بپذیرند و اگر مستدل نیست استدلالشان را رد کنند. آنها این روزها هم به طیف افراطی یادآوری می‌کنند که در یک جامعه سیاسی، سلایق گوناگون حضور دارند و همه باید با عقل، استدلال و با مدارا با یکدیگر برخورد کنند و از تهمت‌زدن و بی‌حرمتی‌کردن به ساحت افراد و گروه‌ها بپرهیزند. همه این موارد از شروط اصلاح‌طلبی است.

در سال‌های اخیر، بسیاری از نیروها موثر و مفید جامعه که می‌توانستند مصدر کار و فعالیت باشند به حاشیه رانده شده و بعضا کسانی را به جای آنها در مصدر امور نشانده‌اند که صلاحیت‌های لازم را نداشته و هم از لحاظ تقوا و هم از لحاظ مدیریت و توانایی، نتوانستند به وظیفه خود عمل کنند. مساله نگران‌کننده دیگر، تضعیف اخلاقیات است. خلاف‌گویی یکی از زشتی‌های مسلم جامعه است که هر مذهبی در جهان از الهی و غیرالهی آن را برنمی‌تابد و در همه دیدگاه‌ها این مساله قبیح است. با این همه، این امر ناپسند در فضای سیاسی و اجتماعی ما رواج پیدا کرده و تنور آن داغ است به گونه‌ای که برخی افراطیون گویی بدون آن نمی‌توانند زندگی کنند. امروز که فضا به نسبت هشت‌سال گذشته بهبود یافته است، اصلاح‌طلبان مصمم شده‌اند در یکی از ابعاد فعالیت خود به دنبال تغییر چنین روندی باشند. حال که فضا تا حدی گشوده شده است، از جمله مسایلی که در اصلاح‌طلبی امروز جامعه ما مطرح است، ارتقای سطح ملی در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جهان و نظام بین‌الملل است که برای این طیف بسیار حایزاهمیت است. اینکه چگونه از لاک خود بیرون بیاییم و چگونه باید عمل کنیم تا این ارتقا صورت گیرد، از مسایل مهم است.

عملکرد اشتباه اقتصادی هشت‌سال گذشته، عدالت اجتماعی را تا حد زیادی از کار انداخته است. اصلاح‌طلبان با توجه به رویکرد درست «دولت تدبیر و امید»، در فضای نظری و آکادمیک در تلاش هستند نظام اقتصادی را به‌گونه‌ای اصلاح کرده و به سمت و سویی سوق دهند که اکثریت جامعه را طبقه متوسط تشکیل دهند و طبقات پایین از امکانات بیشتری برخوردار باشند به طوری که دایما در یک حرکت مشخص‌شده به سمت طبقه متوسط سوق داده شوند. هر اندازه از طبقه متوسط کاسته شود و به طبقه بالاتر فرستاده شود روند خوبی است.

ادامه در صفحه ۹